

## بسم الله الرحمن الرحيم<sup>۱</sup>

کلام در صورت دومی بود که **محقق خراسانی** فرمودند اجتناب از ملاقا لازم نیست و اجتناب از مشتبه و ملاقی لازم است. تصویر این صورت دیروز بیان شد، علم به ملاقات بوده بعداً علم اجمالی پیدا شده به نجاست سه طرف، نهایت در لحظه حصول علم ملاقا از محل ابتلاء خارج شده بعداً ملاقا داخل در محل ابتلاء شده است.

دلیل بر این نظریه را **محقق خراسانی** چنین توضیح می‌دهند و می‌فرمایند درست است که در مثال ما روز جمعه علم اجمالی سه طرف دارد. علم دارد یا ظرف اول نجس است و یا ظرف دوم و ملاقی، ولی ملاقا در روز جمعه از محل ابتلاء خارج شده است. ما قبلاً بحث کردیم، مشهور قائلند، تکلیف نسبت به موردی که خارج از محل ابتلاء است مؤثر نیست، بحث و زجر نسبت به او لغو است.

بنابراین روز جمعه اصل طهارت در مشتبه اول با اصل طهارت در ملاقی تعارض و تساقط می‌کنند، اما نسبت به ملاقا که خارج از محل ابتلاء است روز جمعه اصل طهارتی فرض نمی‌شود که به تعارض تساقط کند. روز شنبه ملاقا که دوباره در محل ابتلاء داخل شد، یعنی الان می‌خواهد ملحق شود به طرف علم، روز جمعه علم اجمالی دو طرف منجز داشت و «**المنجز لا يتجزأ**» **ثانیاً**، نسبت به ملاقا تکلیف جدید حادث می‌شود اصل طهارت بدون معارض جاری می‌شود، بنابراین ملاقا پاک است، آن مشتبه دیگر و ملاقی روز شنبه نجس است و ملاقا پاک است.

در مقابل **محقق خراسانی** جمعی از محققین از جمله **محقق خوئی** در **مصباح الاصول** ج ۲ ص ۴۳۳، **مرحوم امام** در **معتمد الاصول** ج ۲ ص ۱۶۳ به **محقق خراسانی** اشکال می‌کنند و می‌فرمایند در این صورت اجتناب از ملاقا هم لازم است. اصل طهارت در آن جاری نمی‌شود. چرا؟ بیانشان این است که می‌گویند ما آن کبرای کلی که **محقق خراسانی** فرمودند هر موردی که خارج از محل ابتلاء است تعلق تکلیف به او اثر ندارد و لغو است، این را ما فی الجمله قبول داریم. ولی در محل نزاع با اینکه مشتبه دوم روز جمعه از محل ابتلاء خارج شده است ولی در ما نحن فیه اصل عملی طهارت نسبت به ملاقا روز جمعه تصور دارد و اثر شرعی دارد لذا اصل طهارت در ملاقا روز شنبه زنده است و به تعارض تساقط می‌کند، وقتی تساقط کرد روز شنبه که ملاقا دوباره محل ابتلاء شد اصل طهارت ندارد چون «**الساقط لا يعود**».

**سؤال:** چگونه روز جمعه ملاقا از محل ابتلاء خارج است با این وجود در جریان اصل بر او اثر بار می‌شود این تهافت نیست؟ آقایان توضیح می‌دهند و می‌گویند اصول عملی هر جا اثر شرعی بر آن فرض شود جاری می‌شود در ما نحن فیه در خود ملاقا چون خارج از محل ابتلاست، بله نسبت به او اثر شرعی ندارد ما شک داریم طاهر است یا نجس، از محل ابتلائی ما خارج شده است و به ما ربطی ندارد و آقایان می‌گویند من تکلیف ندارم. ولی می‌فرمایند یک اثری دارد که در محل ابتلاء داخل است و آن

۱ - جلسه ۷۷ - مسلسل ۱۹۵ - دوشنبه ۱۳۹۹/۱۲/۴

۲ - مصباح الاصول (مباحث حج و امارات - مکتبه الداوری) جلد : ۱ صفحه : ۴۲۳: «هذا والتحقيق عدم تمامية ما أفاده (ره) لأن الخروج عن محل الابتلاء لا يمنع من جریان الأصل فيه، إذا كان له أثر فعلي. والمقام كذلك، فإن الملاقي بالفتح و ان كان خارجاً عن محل الابتلاء، إلا انه يترتب على جریان أصالة الطهارة فيه أثر فعلي، وهو الحكم بطهارة ملاقيه فمجرد الخروج عن محل الابتلاء أو عن تحت القدرة غير مانع عن جریان الأصل،.... والمقام من هذا القبيل، فإن الملاقي بالفتح و ان كان خارجاً عن محل الابتلاء، إلا انه لا مانع من جریان أصالة الطهارة فيه في نفسه لترتيب الحكم بطهارة ملاقيه، إلا ان العلم الإجمالي بنجاسته أو نجاسة الطرف الآخر يمنع من الرجوع إلى الأصل في كل منهما، فيجب الاجتناب عنهما. و أما الملاقي بالكسر فحكمه من حيث جریان الأصل فيه و عدمه على التفصيل الذي تقدم في المسائل الثلاث. و ملخصه انه ان كان العلم بالملاقاة بعد العلم الإجمالي، فلا مانع من جریان الأصل فيه كما في المسألة الأولى، و ان كان قبله فالعلم الإجمالي مانع عن جریان الأصل فيه. و كلام صاحب الكفاية (رحمه الله) مفروض على الثاني فراجع».

۳ - معتمد الاصول جلد : ۲ صفحه : ۱۶۲: «الثاني: قد عرفت أنّ نجاسة الملاقي - بالكسر - ليست من آثار نجاسة الأعيان النجسة بحيث يكون مرجع وجوب الاجتناب عن النجس إلى وجوب الاجتناب عنه و عن ملاقيه، فلا يحتاج جعل النجاسة له إلى تعبد خاص، بل هو مجعول يتبع جعل النجاسة للملاقي - بالفتح - و كذا لا تكون نجاسة الملاقي - بالكسر - لأجل حكم العقل بسراية النجاسة منه إليه و تأثيره فيه خارجاً، بل هي حكم وضعي مجعول يجعل مستقل مرجعه إلى تأثير النجس شرعاً في تنجيس ملاقيه، فهو سبب شرعاً له، هذا. و لو اغمض عما ذكرنا و فرض كون نجاسته بنحو الأول أو الثاني فالظاهر وجوب الاجتناب عن المتلاقيين و الطرف في جميع الصور الثلاثة المتقدمة؛ لأن المفروض أنه ليس هنا حكم آخر يتعلق به العلم الإجمالي الآخر حتى يكون اشتراكه مع العلم الإجمالي الأول في بعض الأطراف مانعاً عن تأثيره في التنجيز، فلم يكن مانع من جریان الأصل في الطرف الآخر. بل هنا ليس إلا حكم واحد متعلق بالطرف أو بالمتلاقيين؛ لأن المفروض أنه لو كان النجس هو الملاقي - بالفتح - لا يتحقق الاجتناب عنه إلا بالاجتناب عن الملاقي - بالكسر - أيضاً، فمع تنجز التكليف بتعلق العلم الإجمالي به يكون مقتضى حكم العقل الاجتناب عن الجميع، كما هو واضح».

اثر این است که اگر اصل طهارت در ملاقا روز جمعه جاری شود اثر شرعی آن این است که ملاقی او پاک است، و فرض این است که ملاقی خارج از محل ابتلاء نیست روز جمعه داخل در محل ابتلاست.

به عبارت دیگر مگر قبول ندارید بین ملاقی و ملاقا رابطه سببیت و مسببیت است؟! خود ملاقا روز جمعه از محل ابتلاء خارج است اما ملاقی آن محل ابتلاء است، پس اگر روز جمعه در ملاقا اصل طهارت جاری کردیم نتیجه می شود که ملاقی آن پاک است پس اصل طهارت در ملاقا روز جمعه اثر دارد وقتی اثر داشت، اصل جاری می شود. اصل طهارت در مشتبه دیگر با اصل طهارت در ملاقا تعارض می کنند و اثر هم دارند و تساقط می کنند در نتیجه طرف و ملاقی آن که محل ابتلاست در روز جمعه نجس است، ملاقا خودش خارج از محل ابتلاست، روز شنبه داخل در محل ابتلا می شود، می خواهید اصل طهارت جاری کنید، اصل طهارت ملاقا روز جمعه به تعارض ساقط شد و «الساقط لا يعود» لذا روز شنبه ملاقا اصل طهارت ندارد که شما حکم به طهارت آن کنید.

بنابراین **مرحوم امام و محقق خوئی** می فرمایند روز شنبه اجتناب از هر سه طرف لازم است، ملاقی و ملاقا و مشتبه آخر و کلام **محقق خراسانی** صحیح نیست.

ما ابتدا یک مطلب داریم و آن مطلب این است که این بیان **محقق خوئی و مرحوم امام** هر کدام طبق مبانی شان صحیح نیست.

ابتدا این را توضیح بدهیم و بعد ببینیم چه باید بگوییم؟ نه **مرحوم امام** و نه **محقق خوئی** نمی توانند اینجا بگویند اجتناب از هر سه طرف لازم است. اما چرا **مرحوم امام** نمی توانند این مطلب را بفرمایند؟ ابتدا مقدمه ای عرض کنیم.

**مقدمه: مرحوم امام** در بیان جواب از شبهه حیدریه که قبلاً بحثش گذشت یک مطلبی دارند که در اینجا اشاره می کنند و در بحث استصحاب به تفصیل توضیح می دهند ما هم اینجا سر بسته اشاره می کنیم.

خلاصه نظرشان این است که ایشان می فرمایند: اینکه مشهور می گویند رابطه بین ملاقی و ملاقا، رابطه سببیت و مسببیت است، شک در طهارت ملاقی مسبب از شک در طهارت ملاقاقت، و بعد مشهور می گویند اگر اصل طهارت در ملاقا جاری شد به تبع وضع ملاقی روشن می شود و دیگر اصل طهارت در ملاقی جاری نمی شود، **مرحوم امام** می فرمایند: جدا ممنوع است، ما این رابطه سببیت را بین ملاقی و ملاقا قبول نداریم و خلاصه اینکه طهارت ملاقی شرعاً از توابع طهارت ملاقاقت **مرحوم امام** قبول نمی کنند.

به معتمد الاصول ج ۲ ص ۱۵۶ و ۱۵۹ مراجعه کنید.<sup>۴</sup>

اشکال ما به **مرحوم امام** این است که شما که قائلید رابطه بین ملاقی و ملاقا سببیت نیست شما اینجا چگونه می فرمایید اصل طهارت روز جمعه در ملاقا جاری می شود، اثر شرعی دارد، اثر شرعی آن طهارت ملاقی است؟ شما که رابطه سببیت و مسببیت را اینجا منکرید، طبق این انکار شما و نکته ای که در جواب شبهه حیدریه می گوید ملاقی تبعیت شرعی از ملاقا ندارد

۴ - معتمد الاصول جلد : ۲ صفحه : ۱۵۶ و « و لا يخفى أنه لم يرد آية ولا رواية على ما ذكره من أن مع جريان الأصل في السبب لا مجال لجريانه في المسبب، بل المستند في ذلك هو أنه مع جريان الأصل في السبب يرتفع الشك في ناحية المسبب تعبدًا، و مع ارتفاعه في عالم التشريع لا مجال لجريان الأصل فيه أيضاً. و لكن لا يخفى أن هذا لا يتم بإطلاقه، بل إنما يصح فيما إذا كان الشك في ناحية المسبب في الأثر الشرعي المترتب على السبب شرعاً، كالشك في نجاسة الثوب المغسول بالماء المشكوك الكثرة، فإن مقتضى استصحاب الكثرة تحقق موضوع الدليل الشرعي الذي يدل على أن الكرّ مطهر مثلاً. و السر في ذلك: أن معنى الاستصحاب الجاري في الموضوعات هو الحكم بإبقاء الموضوع تعبدًا في زمان الشك، و حيث إنه لا معنى لذلك فيما لو لم يكن الموضوع مترتباً عليه أثر شرعي فلا بد من أن يكون الموضوع المستصحب موضوعاً لأثر شرعي، و من هنا يكون الاستصحاب الجاري في الموضوعات حاكماً على الأدلة الواقعية، لأنه ينقح به موضوعاتها، و تفصيل الكلام يأتي في مبحث الاستصحاب إن شاء الله تعالى. إذا عرفت ذلك: فاعلم أن نجاسة الملاقي و إن كانت من الآثار الشرعية لنجاسة الملاقي، إلا أن طهارة الملاقي لم تجعل في شيء من الأدلة الشرعية من آثار طهارة الملاقي، و إنما هو حكم عقلي، كما هو واضح، فما أفادوه من أن الشك في طهارة الملاقي مسبب عن الشك في طهارة الملاقي، و مع جريان الأصل فيها لا يبقى مجال لجريانه في المسبب، ممنوع جداً. و معتمد الاصول جلد : ۲ صفحه : ۱۵۹ » كما أنك عرفت أن طهارة الملاقي أيضاً لا تكون من الآثار الشرعية المترتبة على طهارة الملاقي.

و حينئذ فلا بد من ملاحظة طرفي العلم الإجمالي الحادث أولاً المؤثر في التنجيز، و الحكم بعدم جريان الاصول في طرفيه؛ للزوم المخالفة العملية. و أما ما هو خارج عنهما فلا مانع من جريان أصالتي الطهارة و الحلية فيه أصلاً. و حينئذ فيصير مقتضى الأصل الشرعي موافقاً مع حكم العقل الحاكم بالتفصيل بين الصور الثلاثة المتقدمة في كلام المحقق الخراساني قدس سره فتأمل جيداً. هذا كله بناء على ما هو مقتضى التحقيق....».

اگر این تبعیت شرعی نیست پس اصل در ملاقا برای طهارت ملاقی نمی‌توانید جاری کنید؟ اثر دیگری هم که ندارد ملاقا هم از محل ابتلا خارج است. در نتیجه باید مثل **محقق خراسانی** بفرمایید روز جمعه اصل طهارت در ملاقا جاری نیست چون اثر شرعی ندارد ملاقی هم ربطی به او ندارد، وقتی اثر شرعی نداشت، اصل طهارت در ملاقا روز جمعه جاری نیست، بین طرف و ملاقی، اصل طهارت تعارض می‌کند روز شنبه اصل طهارت در ملاقا زنده می‌شود و در روز جمعه هم ساقط نشده و بدون معارض است. این اشکال به **مرحوم امام**.

یک اشکال از جهت دیگری به **محقق خوئی** وارد است که این اشکال را ان شاء الله فردا اشاره می‌کنیم. ادامه کلام خواهد آمد.